

Research Paper

The Role of Gender in Formation of Sexual Identity From the Vantage Point of Koranic Verses and Hadiths

Seyed Ahmad Hashemi Aliabadi^{1*}

1. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Theology and Religions, Shahid Beheshti University

Received: 2020/03/10

Revised: 2021/05/30

Accepted: 2021/06/06

Use your device to scan and read the article online



DOI:

10.30495/jzv.2021.24369.3174

Keywords:

upbringing, gender, sexual identity, children, religious education.

Abstract

Offering a definition of the concept of sexual identity, this article argues that not only teaching gender-based roles to children early in their childhood, but also negating gender discrimination against children form the basis of a proper sexual identity. Using a descriptive and analytic method, and with the aim of explaining the view of Koranic verses and hadiths on the role of gender in upbringing this article has examined the most significant educational requirements of the formation of girls' and boys' sexual identity. The article processed its data using library research, citing Koranic verses and hadiths. The results showed that for a healthy upbringing children's gender as an important educational foundation needs to be examined free of cultural views and gender bias. According to the research findings, an egalitarian view of gender and presenting children of different genders with same expectations is wrong and far from ontological realities, and disrupts education.

Citation: Hashemi Aliabadi S A. The Role of Gender in Formation of Sexual Identity From the Vantage Point of Koranic Verses and Hadiths. Quarterly Journal of Women and Society. 2021; 12 (46): 206- 219.

***Corresponding author:** Dr. Seyed Ahmad Hashemi Aliabadi

Address: . Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Theology and Religions, Shahid Beheshti University

Tell: 09191710569

Email:seyedahmad53@gmail.com

Extended abstract

Introduction

Among the educational requirements of children is the discussion of the correct formation of their personality and identity in general and sexual identity in particular. Meanwhile, the view of verses and hadiths as two important sources of education on the principles, strategies, methods and requirements of education in this regard is important. Because, according to some researchers, religious education is a taropod intertwined with action and opinion. (Bagheri, ۲۰۱۲, voll ۲, p۱۸) which, by dressing it up in our quasi-educational efforts or misunderstandings of religion, enables the success of religious education in the face of the challenges of this century. (The same)

The historical effort of man in fruitful education has been fruitful that men and women have different roles and functions, and in most cultures, the role of femininity has always been something different from the role of men; But with the advent of feminist thought, this equilibrium was upset and egalitarian slogans were sought to give an equal view of the role and position of men and women. In this regard, the process of formation of male and female personality from childhood also changed in the goals of education, principles and foundations, and especially in educational methods.

Purpose and research method

This study uses a descriptive and analytical method with the aim of explaining the religious view in the correct formation of sexual identity and then assigning a role appropriate to this identity tries to discuss the most important educational requirements for the correct formation of sexual identity

to indicate the view Be religious and different from other views.

Research Findings

The inference and finding of the researcher of this research is that the gender variable has an important role in education from the point of view of verses and hadiths and educators should pay special attention to it regardless of gender biases and cultural influences. In this regard, ignoring the gender variable in sexual education and the correct formation of sexual identity, causes men and women to deviate from the natural flow of creation, and consequently leads to gender disorders and identity crisis.

مقاله پژوهشی

بررسی نقش جنسیت در شکل‌گیری هویت جنسی از دیدگاه آیات و روایات

دکتر سید احمد هاشمی علی آبادی^{*۱}

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشکده الهیات و ادیان دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

مقاله حاضر ضمن ارائه تعریفی از مفهوم هویت جنسی، قبول و تحسین جنسیت کودکان از سوی اطرافیان، آموزش نقش جنسی به کودکان از همان اوایل کودکی و نیز نفی تبعیض جنسیتی بین کودکان را از ارکان اصلی تربیتی در شکل‌گیری هویت مناسب جنسی می‌داند. این مقاله با روشی توصیفی و تحلیلی و با هدف تبیین نگاه آیات و روایات در بررسی نقش متغیر جنسیت در تربیت، عمده‌ترین الزامات تربیتی را در شکل‌گیری هویت جنسی دختران و پسران بررسی نموده است. داده‌پردازی مقاله کتابخانه‌ای همراه با استناد به آیات و روایات است و نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که جهت حصول تربیتی سالم و کارآمد باید جنسیت کودکان را فارغ از نگاه‌های فرهنگی و سوگیری‌های جنسیتی به عنوان رکن مهم تربیتی مورد دقت قرار داد. بر اساس یافته‌های این پژوهش نگاه تساوی‌طلبانه به جنسیت و نیز توقع یکسان در ارائه نقش جنسیتی، نگاهی ناصحیح و به دور از واقعیات تکوینی کودکان و مخل‌امر تربیت است.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۰

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۰۳/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۶

از دستگاه خود برای اسکن و خواندن مقاله به صورت آنلاین استفاده کنید



DOI:

10.30495/jzv.2021.24369.3174

واژه‌های کلیدی:

تربیت، جنسیت، هویت جنسی، کودکان، تربیت دینی

* نویسنده مسئول: دکتر سید احمد هاشمی علی آبادی

نشانی: استادیار گروه معارف اسلامی دانشکده الهیات و ادیان دانشگاه شهید بهشتی

تلفن: 09191710569

پست الکترونیکی: seyedahmad53@gmail.com

مقدمه

از جمله الزامات تربیتی کودکان بحث شکل‌گیری صحیح شخصیت و هویت ایشان به صورت عام و نیز هویت جنسی به طور خاص است. در این میان نگاه آیات و روایات به عنوان دو منبع مهم تربیتی به اصول، راهکارها، روش‌ها و الزامات تربیتی در این خصوص حائز اهمیت است. چرا که به بیان برخی محققان، تربیت دینی، تاروپودی در هم تنیده از عمل و نظر است. (۸) که با پیراستن آن از تلاش‌های شبه تربیتی یا بدفهمی‌های ما از دین، امکان توفیق تربیت دینی را در برابر چالش‌های این قرن فراهم می‌کند. (۸)

تلاش تاریخی انسان در تربیت متمرکز بر آن بوده است که زن و مرد دارای نقش و کارکرد متفاوت از هم باشند و همواره در اکثر فرهنگها نقش زنانگی چیزی متفاوت از نقش مردانه بوده است؛ اما با ورود افکار فمینیستی این معادله و توازن به هم ریخت و شعارهای تساوی طلبانه بر آن بود تا نگاهی مساوی به نقش و جایگاه زن و مرد بنماید. در این خصوص روند شکل‌گیری شخصیت زن و مرد از کودکی نیز در اهداف تربیت، اصول و مبانی و به خصوص در شیوه‌های تربیتی دستخوش تغییر شد.

این چالش‌های جدی موجب شد تا سه پارادایم تقابل‌گرایی، تساوی-گرایی و تعامل‌گرایی (مکملیت) در خصوص مقایسه زن و مرد مطرح گردد. (۲۳) تقابل‌گرایان کسانی هستند که جوهر وجودی زن و مرد را نه در یک راستا بلکه در تقابل باهم می‌بینند و به استناد برخی تمایزات زیستی و روانی به برتری ذاتی مردان قائل‌اند و همین اعتقاد آنان به کلیه جنبه‌های زندگی از جمله حقوق، اخلاق و تربیت سرایت کرده است. ملاصدرا شیرازی در تبیین آیهی شریفه «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (۱) و در بیان عنایات الهی به انسان، به تولد حیوانات مختلف اشاره می‌کند که برای رفع نیازهای انسان خلق شده‌اند و در ضمن به خلقت زن و منفعت نکاح با او اشاره می‌کند! (51) زمخشری نیز در تفسیر آیه ۳۴ سوره نساء «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» و در بیان برتری مردان بر زنان به برتری خدادادی مردان بر زنان اشاره نموده است. (57) فخر رازی نیز خلقت زن را در ردیف گیاهان و حیوانات برای منفعت مرد می‌داند. (16) «زنان راک روسو» زن را طبیعتاً ضعیف می‌داند و احساسات او را قوی‌تر از آن می‌داند که به توانایی خردورزی مردان برسد و وظیفه‌ی او خشنود ساختن مرد است. (41) ریشه‌های این تفکرات به آموزه‌های تحریفی دین یهودیت و مسیحیت و برخی فرهنگ‌های مردسالار برمی‌گردد که زن را در درجه‌ی دوم قرار می‌دهد. این نگاه در تقابل جدی با آموزه‌های قرآنی است و قابل دفاع نیست. تساوی‌گرایان در این میان معتقدند که بین زن و مرد هیچ تفاوت زیست‌شناختی و روان‌شناختی واقعی وجود ندارد و تمایزات صوری آنان بیشتر غیرطبیعی و تاریخی و فرهنگی و یا تربیتی است. لذا دلیلی بر برتری مرد نسبت به زن وجود ندارد. اساس این پارادایم بر مکتب رفتارگرایی (اصالت رفتار) استوار است که عوامل بیرونی و غیر غریزی یا غیرژنتیکی را در شکل‌گیری رفتار، اهمیت و موضوعیت می‌دهد.

پارادایم تساوی‌گرا اصولاً زمانی شکل گرفت که مکتب‌های فمینیستی به منصفی ظهور رسید. (58) این دیدگاه مورد نقد برخی روان‌شناسانی قرار گرفت که به تفاوت‌های زن و مرد قائل بودند. خانم «لمبروزو» نویسنده‌ی روان‌شناس زن می‌گوید: «طبیعت زن و مرد یکسان آفریده نشده و اگر یکسان آفریده می‌شد، هرآینه اتحاد آنان غیرممکن گشته و جامعه‌ی بشری تشکیل نمی‌یافت» (23) بنابراین توجه به این تفاوت‌ها و توانایی‌ها راهی است برای تنظیم مسائل آموزشی متناسب برای افراد که در روان‌شناسی جدید برای بهبود بخشیدن به انتخاب‌های شغلی و حرفه‌ای بدان توجه ویژه می‌شود (42) تعامل‌گرایی بر این اصل مبتنی است که جنس مؤنث از لحاظ ویژگی‌های بیولوژیک و نیز از حیث خلاصه‌های روانشناختی، تفاوت‌هایی با جنس مذکر دارد، اما این تفاوتها اولاً طولی نبوده، بلکه عرضی هستند و در نتیجه تفاوت‌های انکارناپذیر جسمی و بیولوژیک دو جنس، هرگز به مثابه ارزش گذاری فرادستی و فرودستی جنسی نیست. ثانیاً فقط سویه‌های حقوقی زندگی دو جنس را در برمیگیرند و در عرصه‌های اخلاقی و انسانی اثری ندارند (34) این اندیشه که به نظریه‌ی «مکملت» نیز مشهور است، بیشتر بین اندیشمندان اسلامی مطرح است که ریشه‌های آن به برداشت‌های روشمند از آیات قرآن در برابری ارزشی زن و مرد، در عین تفاوت حقوقی آن دو برمی‌گردد که در بحث برابری ارزشی زن و مرد بدان خواهیم پرداخت.

یقیناً با اتخاذ هر یک از رویکردهای فوق شاهد سه روش متفاوت تربیتی در دختران و پسران خواهیم بود که نتیجه آن بروز هویت جنسی متفاوت خواهد بود چرا که در شکل‌گیری هویت جنسی دختران و پسران علاوه بر داشته‌های تکوینی نمی‌توان سهم تأثیرگذار تربیت و فرهنگ را نادیده گرفت بنابراین هویت جنسی برخاسته از نگاه تقابل‌گرا یا تساوی‌گرا با نگاه تعامل‌گرایی کاملاً فرق خواهد کرد. این پژوهش تلاش دارد با نگاهی دینی رویکرد تعامل‌گرا را تقویت کند که در آن در کنار نگاه ارزشی به جایگاه زنان و مردان قائل به تفاوت‌های نقشی است که در راستای تعامل و مکملیت زن و مرد گام می‌نهد بر این اساس باید به الزامات تربیتی متناسب با جنسیت کودک توجه نمود. بررسی نقش متغیر جنسیت در شکل‌گیری هویت جنسی و نیز نگاه تحلیلی دینی به این مقوله از جهت تربیتی حائز اهمیت است که همین موضوع جنبه نوآوری پژوهش حاضر است.

هدف پژوهش

این پژوهش با هدف تبیین نگاه آیات و روایات در شکل‌گیری صحیح هویت جنسی و به دنبال آن اعطاء نقش متناسب با این هویت، تلاش دارد مهم‌ترین الزامات تربیتی شکل‌گیری صحیح هویت جنسی را به بحث بگذارد تا نشانگر نگاه دینی و تفاوت آن با سایر دیدگاهها باشد.

روش پژوهش

² Lombroso

¹ Jean-Jacques Rousseau

لازم به ذکر است که «برابری ارزشی زن و مرد»، «اصل تناسب محوری نه تشابه محوری»، «تناسب میان تکوین و تشریح» و «محوریت جنسیت در تربیت» جزء مبانی نظری دخیل در تربیت مبتنی بر جنسیت در آیات و روایات است که بر اساس آن الزامات تربیت متفاوتی را در تربیت دختران و پسران طلب می‌کند.

۱- تعریف هویت جنسی (Gender Identity)

برای فهم واژه‌ی ترکیبی «هویت جنسی» ابتدا واژه هویت را بررسی نموده و در ادامه واژه جنسی را مورد دقت قرار می‌دهیم. وقتی ماهیت را به اعتبار و لحاظ مشخص کنند، آن را هویت گویند. در اصطلاح عمومی آنچه موجب شناسایی شخص، ایل، قوم یا ملتی شود هویت نامیده می‌شود. آنچه در میان مخالفها بتواند خود را عرضه کند، باقی بماند و ثبات نسبی خود را حفظ نماید. (50) دهخدا کلمه‌ی «جنس» را قسمت و گونه از هر چیزی می‌داند که اعم از نوع است مثل حیوان که اعم از انسان است. وی واژه‌ی «جنسیت» را مصدر جعلی و به معنای حالت و کیفیت جنس می‌داند که در اصطلاح جدید به معنای رجولیت و انوثیت افراد است. ایشان گوید: واژه «جنسی» صفت نسبی است که در اصطلاح متداول به امور شهوانی اطلاق می‌شود.

در فرهنگ‌های انگلیسی واژه‌ی «sex» به بعد زیست‌شناسی جنسیت یعنی نر یا ماده، پسر یا دختر، زن یا مرد بودن و نیز موضوعات و مسائل جنسی اطلاق می‌شود. (25) و واژه‌ی «gender» به معنای جنسیت است (25) که به سطح و تعریف فرهنگی جنسیت یعنی مردانگی و زنانگی، اطلاق می‌گردد.

ترکیب این دو واژه اصطلاحی است مربوط به سه حوزه‌ی زیست-شناسی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی. هویت جنسی به بیان ساده در حوزه‌ی روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، تصویری است که هر فرد از خود دارد و با آن خود را از دیگران متمایز می‌سازد... هویت جنسی از اقسام هویت اجتماعی است و آن پاسخی است که مرد یا زن به پرسش‌های «من کیستم؟»، «زن کیست؟» و «مرد کیست؟» می‌دهد تا بدین وسیله خود را از جنس دیگر متمایز سازد. (6)

این تصویر و پاسخ‌گویی، تجربه‌ای شخصی و خودپنداره است که بر اساس داشته‌های تکوینی و عوامل وراثتی و عوامل فرهنگی و تربیتی شکل می‌گیرد.

به بیان برخی، هویت جنسی تجربه‌ی شخص از فردیت خود به‌عنوان مرد یا زن بودن است. تجربه‌ی خصوصی و درونی فرد از ابراز آشکار نقش جنسیت، می‌تواند منشأ احساس هویت جنسی محسوب شود. به‌عبارت‌دیگر آگاهی شخص از طبیعت زیست‌شناسی خود و بینشی که افراد نسبت به جنسیت و نقش‌ها و گرایش‌های متناسب با جنس خود دارند، بیانگر هویت جنسی آنان است. (6)

البته به گفته‌ی «ویلیام جیمز» این خودپنداره، لزوماً توصیف‌کننده‌ی صفات واقعی ما نیست؛ بلکه نشان‌دهنده‌ی صفاتی است که تصور می‌کنیم در ما وجود دارد. بر این اساس جیمز اولین روان‌شناسی است که از سه «خود» سخن می‌گوید: «خود واقعی»، «خود آرمانی» و «خود اجتماعی». (7)

جنسیت هم به‌صورت مستقیم و هم غیرمستقیم در هویت و رفتار انسان

پژوهش حاضر با روشی توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر آیات و روایات به توصیف و تحلیل آیات و روایات معطوف به تربیت جنسی پرداخته است و سعی دارد مهمترین الزامات تربیتی را در این مسئله و بر اساس نگاه تعامل‌گرایی مورد بحث قرار دهد.

یافته‌های پژوهش

استنباط و یافته پژوهشگر این تحقیق این است که متغیر جنسیت از نگاه آیات و روایات، نقش مهمی در تربیت دارد و باید مریبان فارغ از سوگیریهای جنسیتی و تاثیرات فرهنگی به آن توجه خاص کنند. در این راستا نادیده گرفتن متغیر جنسیت در امر تربیت جنسی و شکل‌گیری صحیح هویت جنسی، موجب خروج زن و مرد از جریان طبیعی خلقت شده و به دنبال آن موجب اختلال و اختلاط جنسیتی و بحران هویت می‌گردد.

با مراجعه به پژوهش‌های انجام شده در دو مقوله تربیت و جنسیت می‌توان به آثار خوبی در این زمینه دست یافت. کتاب «نگاهی دوباره به تربیت اسلامی» نوشته خسرو باقری اثر وزینی در بحث تربیت است و کتاب «فمینیسم و دانش‌های فمینیستی» اثر جمعی از نویسندگان، که توسط مرکز مطالعات زنان به چاپ رسیده است، به واکاوی تفکرات فمینیستی به خوبی پرداخته است؛ نیز دو کتاب «هویت و نقش‌های جنسیتی (مجموعه مقالات)» و «جایگاه خانواده و جنسیت در نظام تربیت رسمی» اثر محمدرضا زیبایی نژاد و هم‌چنین کتاب «جنسیت و تربیت از منظر اسلام و فمینیسم لیبرال» اثر سید علی حسینی‌زاده هم-چنین مقاله «بررسی و نقد نظریه تربیتی فمینیسم»، اثر محمد آصف حکمت که در مجله‌ی اسلام و پژوهش‌های تربیتی، دوره چهارم، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱ به چاپ رسیده است، گام خوبی در توجه به مقوله جنسیت در امر تربیت برداشته‌اند.

مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی در قم نیز با برگزاری همایش «جنسیت از منظر دین و روان‌شناسی» و دانشگاه فردوسی مشهد با همایش «اسلام و فمینیسم» آثار خوبی را به صورت مقالات و گفتگوها درباره جنسیت و مقایسه نگاه اسلام و نگاه‌های فمینیستی به چاپ رسانده‌اند. کتاب «جایگاه خانواده و جنسیت در نظام تربیت رسمی» نیز اثر محمدرضا زیبایی نژاد پژوهش خوبی در مورد نقش جنسیت در تربیت رسمی انجام داده است. هر چند در تحقیقات فوق جسته و گریخته به نقش متغیر جنسیت در تربیت اشاره شده اما به صورت منسجم و با نگاه به تاثیر این متغیر در شکل‌گیری هویت جنسی اثری یافت نشد. آنچه در پژوهش پیش‌رو به عنوان نوع‌آوری تحقیق مد نظر نگارنده است، اولاً بررسی نقش متغیر جنسیت در شکل‌گیری هویت جنسی و ثانیاً بررسی الزامات تربیتی متخذ از آیات و روایات در شکل‌گیری هویت صحیح جنسی کودکان است که مبتنی بر دو سؤال کلیدی زیر است:

از منظر آیات و روایات، آیا جنسیت در شکل‌گیری هویت جنسی نقش دارد؟ و در صورت مثبت‌بودن پاسخ به سوال فوق، سوال دومی مطرح می‌شود که آیا باید الزامات و روش‌های تربیتی متفاوتی را در شکل‌گیری هویت جنسی دختران و پسران لحاظ نمود و یا تفاوت‌های جنسیتی آنچنان تأثیری در این موضوع ندارد؟

تأثیر دارد. هورمون‌های جنسی (در مردان آندروژن و در زنان استروژن) به‌طور مستقیم و تکوینی هویت جنسی را شکل می‌دهند. این هورمون‌ها بر میزان رشد فرد، شکل و عملکرد بدن و ویژگی رفتاری او اثر می‌گذارد به‌طوری‌که جنس مذکر ظاهر و رفتار مردانه و جنس مؤنث ظاهر و رفتار زنان پیدا می‌کند. خلل در این هورمون‌ها می‌تواند رفتارها و حالات مرد و زن را به هم بریزد و رفتاری متفاوت از جنسیت بروز دهد. در بُعد اثرات غیرمستقیم، سه عامل فرهنگی، نگرش مردم به فرد از لحاظ جنسیت و شکل‌گیری الگوی شخصیتی بر اساس الگوهای اجتماعی، مؤثرترین عوامل در هویت جنسی فرد است. (7)

برخی از اندیشمندان گویند: «مطالعه‌ی آثار دانشوران زیست‌شناس و روان‌شناس و جامعه‌شناس نشان می‌دهد که تصویر یکسانی از معنای هویت جنسی در ذهن آنان وجود ندارد. زیست‌شناسان بیشتر تفاوت‌های زیستی زن و مرد را قوام‌بخش هویت جنسی می‌دانند. ساختارگرایان و روان‌شناسان و برخی جامعه‌شناسان بر تمایزات بنیادین هویت زنانه و مردانه که در طول تاریخ ثابت مانده است، تأکید دارند و جامعه‌شناسان دیگر و فمینیست‌ها به سیالیت و عدم ثبات جوهری هویت اعتقاد دارند و مسائل فرهنگی و نگرش اجتماعی را در ایجاد هویت جنسی مؤثر می‌دانند.» (58)

۲- هویت جنسی در آیات و روایات

لازم است بدانیم با نگرش به آیات و روایات در مورد ماهیت، هویت، کارکرد و نقش‌های زن و مرد می‌توان به این نتیجه رسید که از دیدگاه اسلام هویت زن و مرد یک بخش ثابت و غیرقابل تغییر دارد که بر اساس داشته‌های تکوینی و خدادادی شکل گرفته است که این بخش هویت زنانه و مردانه را پی‌ریزی نموده و تکالیف متفاوتی را از این دو می‌خواهد و یک بخش سیال و قابل تغییر که تحت تأثیر مسائل فرهنگی و تربیتی است و می‌تواند نقش‌های مخالف را نیز بپذیرد.

آیه‌ی شریفه «قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ قَرَبُكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا» (1)؛ [بگو: هر کس بر پایه خلق و خوی و عادت‌های اکتسابی خود عمل می‌کند، پس پروردگارتان به کسی که راه یافته تر است، داناتر است.] از دیدگاه برخی مفسران به بخش ثابت هویت و شخصیت انسان دلالت دارد. (16)

و آیات و روایاتی که به تربیت‌پذیری و تأثیرپذیری انسان و نیز الزامات یا ترجیحات متفاوت از زن و مرد دلالت دارند، به بخش سیال هویت مربوط می‌شوند؛ مانند «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا * وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (1) بی‌تردید کسی که نفس را [از آلودگی پاک کرد و] رشد داد، رستگار شد. * و کسی که آن را [به آلودگی‌ها و امور بازدارنده از رشد] بی‌الود [از رحمت حق] نومید شد. و نیز آیه «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (1)؛ چنین نیست که آنها می‌پندارند، بلکه اعمالشان چون زنگاری بر دل‌هایشان نشسته است!

این آیات به قابلیت صعود و امکان سقوط انسان هر دو اشاره دارد و نشان می‌دهد که انسان می‌تواند تزکیه نفس رشد و آلوده کردن آن سقوط را به همراه دارد.

و نیز مانند آیه‌ی ۳۴ سوره‌ی نساء که الزامات متفاوتی از زن (فرمان‌برداری و حفظ اموال و ناموس) و مرد (نفقه و مدیریت خانواده)

را می‌خواهد. «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ بِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ»؛ مردان، کارگزاران و تدبیرکنندگان [زندگی] زنانند، به خاطر آنکه خدا مردان را [از جهت توان جسمی، تحمل مشکلات و قدرت روحی و فکری] بر زنان برتری داده، و به خاطر آنکه [مردان] از اموالشان هزینه زندگی زنان را [به عنوان حقی واجب] می‌پردازند؛ پس زنان شایسته و درست کار [با رعایت قوانین حق] فرمانبردار [و مطیع شوهر]ند [و] در برابر حقوقی که خدا [به نفع آنان برعهده شوهرانشان] نهاده است، در غیاب شوهر [حقوق و اسرار و اموال او را] حفظ می‌کنند.

برخی مفسران گویند این آیه در مقام تبیین وظیفه و انشاء یک حکم تکلیفی است نه اعطای مزیت. بنابراین تعبیر «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» یعنی «یا ایها الرجال کونوا قوامین» یعنی شما ای مردان به امر خانواده قیام کنید. بر اساس این دیدگاه، آیه مربوط به درون خانه است نه صنف مردان و صنف زنان و در مقام بیان وظیفه مرد و زن است نه اسارت زن و امارت مرد. معنای الرجال در این دیدگاه «الرجال بما انهم ازواج» است و قوام در این دیدگاه به معنای مدیر، مسئول و رئیس است نه حاکمیت و ولایت و سیطره (۳۶ و ۴۰)

به علاوه واژه «قوامون» صیغه مبالغه قائم است از «قام، یقوم، قیاماً» است. ماده قیام در مقابل قعود در قرآن به معنی برخاستن، توقف، ثبوت و دوام، عزم و اراده، وقوع امر، و مشغول شدن به کاری (1) است. در آیه شریفه ۳۴ نیز قوام یعنی قیام و قائم به امر و سرپرست است.

راغب اصفهانی قیام را به سه صورت مطرح می‌کند؛ قیام به شخص که یا با تسخیر است (1) و یا با اختیار (1)، قیام به یک شیء که به معنای مراعات و حفظ آن است (1) و قیام بر قصد بر چیزی (1). ایشان قیام در آیه مذکور را به معنای قیام به شخص آن هم با اختیار می‌دانند یعنی مردان با اختیار خویش به امر زنان به پا می‌خیزند. (۴۸)

لسان العرب نیز قیام در آیه را به معنای محافظت و اصلاح می‌داند. (۳۲). مجمع البحرین نیز واژه قوامون را در آیه شریفه به معنای «قیام الولاة و السیاسة» می‌داند که با دو دلیل موهبتی از سوی خداوند (تفضیل) و کسی از سوی مردان (انفاق) به دست می‌آید. (۵۵)

واژه قوامون گاه با حرف جر «باء» به کار می‌رود مثل «كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ»؛ برای خدا به داد برخیزید [و] [به عدالت شهادت دهید (۱) و گاه با حرف جر «علی» مثل آیه مورد بحث در صورت دوم به معنای مراقبت و دوام و ثبات است البته چون صیغه مبالغه است به معنی کمال مراقبت و حفاظت است. شاهد ما آیه‌ی شریفه «مِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بَدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا» (۱)؛ کسانی [از اهل کتاب] هستند که اگر یک دینار هم به آنان بسپاری، به تو باز نمی‌گردانند؛ مگر تا زمانی که بالای سر آنها ایستاده (و بر آنها مسلط) باشی!» است. بنابراین قوام در این آیه یک مسئولیت است که به مردان نهاده شده است نه سبب برتری او بر زن. همین معنای کفالت، حمایت، کارگزاری، رسیدگی، نگهداری و سرپرستی را برخی از مفسرین نیز اشاره نموده‌اند. (۳۵ و ۱۸)

تفسیر و تحلیل آیه ۳۴ نشان می‌دهد که عامل جنسیت در نگاه این آیه نقش مهمی در تفاوت نقش‌ها و مسئولیت‌های زنان و مردان دارد و چون داشته‌های تکوینی این دو یکسان نیست نمی‌توان تکالیف و حقوق یکسانی را برای آنها در نظر گرفت و تساوی این دو در حقوق و تکالیف خروج از

جنسی‌شان آگاهی کامل یا در حد تمیز دارند بنابراین کنار هم بودن آن‌ها می‌تواند موجب بروز انحرافات اخلاقی و اخلال در شکل‌گیری هویت سالم جنسی شود.

رسول گرامی اسلام فرمودند: «فَرَّقُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ فِي الْمَضَاجِعِ إِذَا بَلَّغُوا سَبْعَ سِنِينَ» (۵۳) بستر خواب فرزندان‌تان را وقتی به هفت سال رسیدند، جدا کنید.

ایشان در بیانی دیگر حتی رعایت این دستور اخلاقی را منحصر به دو جنس دختر و پسر ندانسته بلکه جدایی بستر دختران با دختران و پسران با پسران را در سن ده‌سالگی خواستار شدند: «الصَّبِيُّ وَالصَّبِيَّةُ وَالصَّبِيَّةُ وَالصَّبِيَّةُ يُفَرَّقُ بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ لِعَشْرِ سِنِينَ» (۳۹) و در روایت دیگر حتی بوسیدن دختر بچه‌ی شش ساله را مورد نهی قرار دادند. (۳۹)

این بیانات که با روشی پیشگیرانه به مسائل اخلاقی در بعد انحرافات جنسی می‌نگرد، اولاً گویای آن است که علیرغم تصور عموم مردم که کودکان را در مباحث جنسی ناآگاه و به‌دور از تحریک می‌دانند، تحریک-پذیری کودکان به‌خصوص در سنین خاص امری مسلم است و باید هرگونه محرک جنسی حتی یک ارتباط جسمی را از نظر دور نداشت. ثانیاً شکل‌گیری هویت جنسی از سنین پائین باید مورد توجه والدین قرار گیرد.

باید دانست فرایند هویت‌یابی که با روند رشد جسمی و روانی کودک همراه است همچون سایر مسائل تربیتی تحت تأثیر آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم از بیرون وجود کودک است. این امر ضرورت آموزش صحیح را از سوی والدین دوچندان می‌کند.

در سال‌های کودکی و نوجوانی، خانواده بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری هویت بر عهده دارد اما در دوره‌ی جوانی محیط زندگی اجتماعی و خود جوان نقش اساسی در تثبیت هویت ایفاء می‌کند. معمولاً پسران از بابت جنسیت خود از جانب خانواده و اطرافیان توجه بیشتری می‌شوند و به همین دلیل ترجیح جنسی در پسران بیش از دختران دیده می‌شود و آنان بیشتر تمایل به بروز رفتارهای خاص جنس خود دارند. (۳۸)

آموزش نقش‌ها و تکالیف جنسیتی، خود سهم مهمی از آموزش جنسی به معنای عام است؛ بنابراین برای پرورش هویت جنسی -که سهم زیادی در پیشگیری از انحرافات جنسی نیز دارد- باید انگاره‌های تربیتی مورد دقت و توجه قرار گیرد. برخی از اندیشمندان در بحث روش‌های مستقیم تربیت جنسی به اصول کلی این آموزش پرداخته‌اند. (۱۷) برخی از این بایدها عبارت‌اند از:

۳-۱ قبول جنسیت کودک

جنسیت فرزند از همان تولد در رفتار والدین نسبت به وی مؤثر است. بیشتر پدران و مادران علیرغم ادعایشان مبنی بر مهم نبودن جنسیت فرزند، ترجیح می‌دهند فرزند نخست پسر و دومین فرزند دختر باشد و چنانچه جنسیت فرزند با خواسته‌ی آنان منطبق نباشد، بدون شک از محبت کم‌تری برخوردار خواهد شد.

این رفتار غیرمنطقی در نگاه قرآن به‌شدت محکوم گردیده است:

«وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٌ * يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَلَيْسَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ مِنْ آيَاتِهِ فِي التَّرَابِ إِلَّا سَاءَ

طبیعت و تکوین است. هر چند در بسیاری از حقوق و تکالیف که جنبه انسانی زن و مرد در نظر است با هم یکسانند.

نکته قابل‌ذکر در این قسمت آن است که بدانیم نمی‌توان و نباید از تمام تفاوت‌های تکوینی و جنسیتی، نظام جنسیتی تربیت را نتیجه گرفت و به شیوه‌های متفاوت دست‌یافت؛ مگر آن‌که با تلاش اجتهادی، روشن شود این تفاوت‌ها علت حکم است (۲۷)

نکته‌ی اساسی که وجه افتراق دیدگاه اندیشمندان اسلامی و جریان حاکم فمینیستی است، انکار منحصر دانستن ریشه و علل تفاوت‌های زن و مرد به امور اجتماعی و فرهنگی است. نهایت چیزی که جریان فمینیستی ثابت می‌کند تأثیر جدی فرهنگ و تربیت بر رشد و شکل-گیری تفاوت‌های هویتی است اما نمی‌تواند سهم مسائل تکوینی را رد کند. محققان اسلامی تأثیر عوامل فرهنگی را انکار نمی‌کنند اما انحصار عوامل را در فرهنگ و تربیت نیز نمی‌پذیرند. (۵۴ و ۹) در نگاه آیات و روایات، ترجیح تربیت عاطفی دختران، ترجیح برخی ورزش‌ها برای پسران، پرهیز از تشبه به جنس مخالف در لباس و رفتارهای جنسی، ارائه‌ی الگوهای رفتاری متفاوت درباره‌ی همسری برای مردان و زنان، اولویت‌بخشی به نقش مادری برای زنان و... نشان از دقت دین به هویت جنسی و نظام جنسیت تربیتی است که ریشه در دو قاعده‌ی مهم دارد.

۱. تفاوت‌های طبیعی و روانی انکارناپذیر بین زنان و مردان (تفاوت‌ها)
۲. انتظارات گوناگون از مردان و زنان بر اساس هدفمندی خلقت (کارکردها) (۴)

۳- الزامات تربیتی در پرورش هویت جنسی

اسلام قواعد و مقررات و تکالیفش را با «اصول تغییرناپذیر آفرینش» و «سنت‌های طبیعی و فطری» و بر مبنای «تعالی»، «کارآمدی» و «رضامندی» منطبق ساخته است، در عرصه اختیارات و حقوق نیز به اصل تفاوت که لازمه عدالت است توجه ویژه نموده است. (۲۶) بر این اساس باید بدانیم جنسیت سالم، بخشی حیاتی از عزت نفس کودک را تشکیل می‌دهد. بسیاری از انحرافات جنسی در دوران نوجوانی و جوانی هم‌چون تشبه به جنس مخالف و بروز رفتارهای مخالف جنسیت ریشه در پرورش نادرست هویت جنسی دارد. بنابراین پرورش هویت جنسی از همان دوران کودکی و با روش‌های صحیح و ظریف تربیتی باید در دستور کار والدین قرار گیرد تا فرزند توصیف صحیحی از هویت و ویژگی‌های خود و نیز مسئولیت‌های مطابق با نقش جنسی خود پیدا کند و نقش جنسی و اجتماعی خود را بر اساس آن پایه‌ریزی نماید؛ اما روان‌شناسان حدفاصل سنین دوازده تا هجده سالگی را دوره‌ی حساس یافتن هویت می‌دانند. معمولاً نوع ارتباطات ناسالم نیز در همین سن هویت‌یابی اتفاق می‌افتد. در پرورش هویت جنسی بهتر است به دلیل همزادپنداری جنس موافق، مسئولیت تربیت را به عهده گیرد یعنی پدر برای فرزند پسر و مادر برای فرزند دختر؛ زیرا کودکان الگویابی جنسیتی را از طریق فرایند همانندسازی با پدر و مادر از ۴-۵ سالگی آغاز می‌کنند و اگر جنس موافق عهده‌دار تربیت شود امر همانندسازی تسهیل می‌شود.

لازم به ذکر است روایاتی که امر به جدایی بستر کودکان از سنین خاص می‌کند، نشان می‌دهد کودکان در سنین مطرح شده نسبت به هویت

اگر به این روایات سیره‌ی نبوی و علوی را در احترام به فرزندان دختر آن‌هم در عصر نزول آیات و فضای ناسالم فرهنگی جزیره‌العرب، اضافه کنیم به این حقیقت می‌رسیم که ذهنیت برتری جنس پسر بر دختر تا چه حد از تعالیم وحیانی و الهی به دور است.

در روایت نبوی حتی پیامبر بزرگوار، اصحاب خود را که خبر به دنیا آمدن دختری را شنیدند و در چهره، کراهت خود را نمودار ساختند، توبیخ نمود و درجایی دیگر از برکت وجودی دختر سخن به میان آورد. (۳۹)

عدم پذیرش کودک همان‌گونه و با همان جنسیتی که هست، باعث ایجاد کهنتری (خودکم‌تر بینی) و از دست رفتن کرامت و عزت‌نفس خواهد شد که بر اساس روایات منشأ تمام شرور می‌گردد.

امام هادی علیه‌السلام می‌فرماید: «مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ» (۳۳) هر کس به خود اهانت کند از شرش در امان نباش.

در مقابل؛ حفظ کرامت فرزند مانع جدی و بازدارنده از ارتکاب گناهان و خطاهاست. امیر مؤمنان علیه‌السلام فرمودند: «مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يَهْنَأْ بِالْمَعْصِيَةِ» (۴۳) هر کس کرامت نفس داشته باشد به نفس خود با گناه اهانت نمی‌کند.

کودکانی که در کودکی کم‌تر مورد توجه قرار گرفته‌اند، همواره احساس کرده‌اند که در این دنیا گویا موجودی زیادی، سربار، بی‌فایده، ناخواسته و دوست‌ناداشتنی هستند. (۴۹) این احساس حقارت می‌تواند بی‌اشتهایی، بی‌خواهی، بدخواهی، ضعف مفرط، شرم افراطی، کشمکش روانی، تنش - ها، ضعف اعصاب، تنفر از جنسیت خود، شرم‌داشتن از دختر بودن و زن - شدن و... را در پی داشته باشد.

۳-۲ آموزش نقش جنسی به کودک

از جمله پیامدهای مثبت به‌کارگیری شیوه‌های تربیتی مبتنی بر جنسیت تعلیم نقش‌های متناسب خانوادگی و اجتماعی به دختران و پسران است و این مهم باید از همان اوایل کودکی با شیوه‌های صحیح تربیتی در دستور کار متولیان تربیت قرا گیرد.

چرا که کودک به بیان برخی پژوهشگران از دو راه عمده رفتارهای اجتماعی و نقش‌های جنسیتی را فرا می‌گیرد: نخست آموزش مستقیم و دوم از راه تقلید یا سرمشق‌گیری (۲) بنابراین باید نقش جنسیتی هر یک از دختر و پسر به او آموزش داده شود تا آن‌ها بفهمند جامعه از هر یک از آن‌ها چه انتظاری دارد و هر یک از نظر رفتاری، گفتاری، پوشاک و... چه نقشی باید ایفاء کنند. لازم است هویت با ماهیت تکوینی زن و مرد و نقشی از پیش طراحی‌شده‌ی نقش‌ها و کارکردها هماهنگ باشد؛ وگرنه انحراف از مسیر خلقت هدفمند و هدایت تکوینی و تشریحی خواهد بود.

به گفته برخی متفکران تفاوت در موقعیت‌ها و نقش‌ها و حقوق، لازمه حیات اجتماعی و خانوادگی است و رعایت این تفاوت‌ها تنها راه دست - یابی به جایگاه ارزشی زن و مرد است. (۵۸)

جنسیت هم بر جنبه‌های جسمی تأثیر دارد و هم بر جنبه‌های عاطفی همچون روابط، مهارت‌های زندگی و مهارت‌های تصمیم‌گیری.

به نظر نگارنده رشد و پذیرش نقش جنسی حداقل دارای سه اثر مهم است:

۱- ثبات جنسیت که در انجام تکالیف محوله نقش کلیدی دارد و از

مَا يَحْكُمُونَ» (۱) و هرگاه یکی از آنان را به دختر مژده‌آورند، چهره‌اش سیاه می‌گردد، درحالی‌که خشم [و اندوه] خود را فرومی‌خورد. از بدی آنچه بدو بشارت داده‌شده، از قبیل [خود] روی می‌پوشاند. آیا او را با خواری نگاه دارد، یا در خاک پنهانش کند؟ و چه بد داوری می‌کنند.

و در آیه‌ای دیگر بیان می‌دارد که این رفتار غلط مورد بازخواست الهی قرار خواهد گرفت. «وَ إِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِمَا يَدَّبُ قَتَلَتْ» (۱) و در آن هنگام که از دختران زنده به گور شده سؤال شود که به کدامین گناه کشته شدند؟!

در مورد ارزشمندی جنسیت کودک باید بینش و عملکرد والدین به‌گونه‌ای باشد که هیچ جنسیتی بر دیگری برتری ندارد و هر دو جنس پسر و دختر ارزشمند هستند؛ تا کودک به‌راحتی و بدون آرزوی داشتن جنسیت مخالف، به هویت خود دست یابد و در آینده به‌خوبی این نقش را ایفاء کند. یکی از ریشه‌های تشبه به جنس مخالف در همین برحه شکل می‌گیرد. متأسفانه هنوز که هنوز است در برخی جوامع و مناطق نقش جنسیتی پسر بر دختر ترجیح دارد درحالی‌که به صریح قرآن این خداوند است که تفاوت‌های جنسیتی را ایجاد می‌کند نه پدر و مادر.

«لِلَّهِ مَلِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَّا وَإِيَّاهُ لَمَنِ يَشَاءُ الذُّكُورَ أَوْ يَزُوجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَاثًا وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ» (۱) مالکیت و حاکمیت آسمان‌ها و زمین از آن خداست.

هر چه بخواهد می‌آفریند، به هر کس اراده کند دختر می‌بخشد و به هر کس بخواهد پسر، یا اگر بخواهد پسر و دختر - هر دو - را برای آنان جمع می‌کند؛ و هر کس را بخواهد عقیم می‌گذارد زیرا او دانا و قادر است.

امام صادق (علیه السلام) انگاره‌ی برتری یک جنس را بر جنس دیگر در کودک رد نموده می‌فرماید:

«الْبَنَاتُ حَسَنَاتٌ وَالْبُيُوتُ نِعْمَةٌ فَإِنَّمَا يَثَابُ عَلَى الْحَسَنَاتِ وَيَسْأَلُ عَنِ النَّعْمَةِ» (۳۷) فرزندان دختر جزء نیکی‌ها به حساب می‌آیند و فرزندان پسر جزء نعمت و خداوند (روز قیامت) به خاطر نیکی‌ها ثواب می‌بخشد و از نعمت‌ها سؤال می‌کند.

اگر کودک به خاطر آنچه هست مورد پذیرش، تأیید و احترام قرار گیرد، در حقیقت به او کمک می‌شود تا نگرشی مثبت در رابطه با خویش - پذیری اکتساب نموده و برای خود احترام قائل شود؛ اما در صورتی که افراد شاخص در زندگی او مثل والدین، معلمان، هم‌کلاسی‌ها و سایر اشخاص تأثیرگذار در زندگی، به تحقیر، سرزنش و رد او بپردازند، احتمالاً نگرش نامطلوبی نسبت به خود پیدا خواهد کرد. او در مورد خود آن‌گونه قضاوت خواهد کرد که دیگران قضاوت می‌کنند. (۷)

پذیرش جنسیت کودک از سوی روایات اهل بیت علیهم‌السلام و نکوهش تفکر برتری جنسیتی به‌شدت مورد تأکید قرار گرفته است.

سکونی گوید به محضر امام صادق وارد شدم در حالی که انده‌گین و غصه‌دار بودم فرمود: «يَا سَكُونِي، مِمَّا غَمُّكَ؟». قُلْتُ: «وُلِدْتُ لِي ابْنَةٌ فَقَالَ: «يَا سَكُونِي، عَلَى الْأَرْضِ ثِقَلُهَا، وَعَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا، تَعِيشُ فِي غَيْرِ أَجْلِكَ، وَ تَأْكُلُ مِنْ غَيْرِ رِزْقِكَ» فَسَرَى وَاللَّهِ عَنِّي... (۳۷) لت غم تو چیست؟ گفتم دختردار شدم. فرمود سنگینی آن روی زمین است و روزی او بر عهده‌ی خدا. در عمر خود زندگی می‌کند و روزی تو را نمی‌خورد. سکونی گوید [امام با این سخنان] به خدا قسم غم را از من زدود.

دختران باید از کودکی برای دو نقش مهم مادری و همسری و پسران برای دو نقش پدری و همسری پرورش یابند. جالب است که در روایات ما نقش خانه‌داری و تربیت فرزند برای زن و نقش نان‌آوری و مدیریت کلان زندگی برای مرد با عنوان جهاد در راه خدا مطرح شده که نشان‌دهنده‌ی بار ارزشی این نقش‌هاست که رنگ بندگی و عبادت به آن می‌دهد.

در مورد جهادبودن نقش زنان در زمان حمل در روایت چنین آمده است: «ذَكَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْجِهَادَ فَقَالَتْ امْرَأَةٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا لِلنِّسَاءِ مِنْ هَذَا شَيْءٍ فَقَالَ بَلَى لِلْمَرْأَةِ مَا بَيْنَ حَمْلِهَا إِلَى فَطَامِهَا مِنَ الْأَجْرِ كَالْمَرْبِطِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنْ هَلَكَتْ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ كَانَ لَهَا مِثْلُ مَنَزِلَةِ الشَّهِيدِ.»

(۳۹) رسول گرامی اسلام [اجر] جهاد را به اصحاب متذکر شدند. زنی گفت: ای رسول خدا بهره زنان از این اجر چیست؟ فرمود: زن از زمان باردار شدن تا زمان زاییدن و از آن موقع تا زمان از شیر گرفتن بچه اجر و ثواب مجاهد در راه خدا را دارد و اگر در این میان بمیرد مقام و منزلت شهید را دارد.

و در مورد جهادبودن نقش مردان در طلب روزی حلال نیز موسی بن بکر از امیر مؤمنان علیه السلام نقل می‌کند: «مَنْ طَلَبَ هَذَا الرِّزْقَ مِنْ حِلِّهِ لِيَعُوذَ بِهِ عَلَى نَفْسِهِ وَ عِيَالِهِ كَانَ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ» (۳۷) هر کس این رزق را به‌طور حلال کسب کند تا به مخارج خود و خانواده‌اش بپردازد همانند جهادگر در راه خدا است.

ظرافت کار تربیتی در پرورش هویت جنسی به‌اندازه‌ی بالاست که در برخی روایات در جزئی‌ترین رفتارها از سوی والدین درخواست رعایت این اصل شده است.

امام صادق علیه‌السلام در پاسخ به شخصی که از تزئین همسر و فرزندانش با طلا سؤال نمود، فرمود:

«نَعَمَ النِّسَاءَ وَ الْجَوَارِيَ وَ أُمَّ الْعِلْمَانِ فَلَا!» (۳۹) تزئین با طلا برای زنان و دختران اشکالی ندارد اما برای پسران نه!

دقت در این روایت که به موردی خاص از زینت اشاره می‌کند، نشان می‌دهد که در نگاه دینی باید پوشش فرزند، متناسب با جنسیت او باشد و این مهم باید از کودکی که شخصیت فرزند شکل می‌گیرد مورد دقت والدین باشد. عدم رعایت این نکته‌ی تربیتی احتمال مبدل پوشی و یادگارپرستی را در کودکان بالا برده و در آینده بر پوشش و رفتار فرزند تأثیر می‌گذارد.^۱

روایات ما حتی در نوع هنرهای متناسب با جنسیت، هر کاری را برای دختران و پسران نمی‌پسندد. امام صادق علیه‌السلام فرمود: «لَا تُتَزَوُّوا النِّسَاءَ الْعُرْفَ ... وَ عِلْمُوهُنَّ الْمَغْزَلُ وَ سُورَةُ النُّورِ»؛ (37) زنان را در بالاخانه قرار ندهید [شاید منظور در دید بودن است مانند اصطلاح قرآنی تبرج که از برج اخذ شده و به معنای در دید بودن است] ... و به آن‌ها بافندگی و سوره‌ی نور تعلیم دهید.

برخی از محققین این روایات را به دلیل مخالفت با روح کلی قرآن و روایات در تعلیم و تربیت زنان و نیز روایات و آیات دال بر تعلیم قرآن

دوسوگرایی و میل به تغییر رفتاری و جنسیتی و نیز مشکلات خانوادگی در آینده جلوگیری می‌کند.

۲- احساس رضایت و آرامش از ایفای نقش جنسی خود. چنان که در روایات داریم حضرت صدیقه طاهره از پذیرش نقش جنسی که از سوی پیامبر به ایشان و امیر مؤمنان داده شد ابراز خشنودی فرمودند. (۲۹)

۳- قبول جنسیت فرزندان و در نتیجه احساس رضایت والدین از جنسیت فرزند و احساس رضایت فرزند از جنسیت خود.

این مهم از نگاه دینی تا جایی اهمیت دارد که قراردادن فرزندان در جایگاه صالح خود و واگذاری مسئولیت‌ها بر اساس ظرفیت و با در نظر گرفتن جنسیت آن‌ها درخواست روایات و جزء حقوق فرزند است.

رسول گرامی اسلام به امیر مؤمنان علیهما السلام فرمودند: «يَا عَلِيُّ حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَ آدَبَهُ وَ يَضَعَهُ مَوْضِعًا صَالِحًا»؛ (۳۱) یا علی حق فرزند بر پدر خویش این است که او را نام نیکو نهد و ادب نیکو کند و او را در جایگاهی که صلاحیت آن را دارد قرار دهد. این فرمایش، مولا(ع) مطلق فرزند را شامل می‌شود و اختصاص به جنس خاصی ندارد.

در این روایت نبوی نیز به‌وضوح می‌توان آموزش متفاوت جنسیتی را مشاهده نمود.

پیامبر بزرگوار اسلام فرمودند: «حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ إِذَا كَانَ ذَكَرًا أَنْ يَسْتَفِرَّهُ أُمَّهُ وَ يَسْتَحْسِنَ اسْمَهُ، وَ يَعْلَمَهُ كِتَابَ اللَّهِ، وَ يَطَهِّرَهُ، وَ يَعْلَمَهُ السَّبَاحَةَ؛ وَ إِذَا كَانَتْ أُنْثَى أَنْ يَسْتَفِرَّهُ أُمُّهَا، وَ يَسْتَحْسِنَ اسْمَهَا، وَ يَعْلَمَهَا سُورَةَ النُّورِ، وَ لَا يَعْلَمَهَا سُورَةَ يُوسُفَ، وَ لَا يَنْزِلُهَا الْعُرْفَ، وَ يَعْلَمُ سَرَاحَهَا إِلَى نَيْتِ زَوْجِهَا...»؛ (۳۷) حق فرزند بر پدر خویش آن است که اگر پسر است، مادرش را در رفاه قرار دهد و اسم نیکو برایش انتخاب کند و به او کتاب خدا را تعلیم دهد و او را پاکیزه گرداند [منظور ختنه کردن فرزند پسر است] و به او شنا یاد دهد و اگر دختر بود مادرش را در رفاه قرار دهد و اسم نیکو برایش انتخاب کند و به او سوره‌ی نور را یاد دهد و سوره‌ی یوسف را به او تعلیم ندهد و او را در بالاخانه [و در دید] قرار ندهد و در فرستادن او به خانه همسر تعجیل کند.

اگر این روایات را در کنار روایاتی که دستور به تعلیم و تعلم قرآن به‌صورت مطلق می‌دهد و جنسیت را مطرح نمی‌سازد قرار دهیم، روشن می‌گردد که دستور به یاد ندادن سوره‌ی یوسف به زنان یک دستور تربیتی است که از تأثیرگذاری منفی نقل داستان عاشقانه‌ی یک زن و قصد آلودگی او به گناه، بر دختران حکایت می‌کند زیرا زنان به‌مراتب از مردان حساس‌ترند و زودتر هم به هیجانات روی می‌آورند.

فیض کاشانی درباره‌ی این آموزه تربیتی، جلوگیری از انحراف جنسی را به‌عنوان فلسفه‌ی آن مطرح می‌کند:

«پیام سوره نور، عفاف و پاک‌دامنی است؛ اما در سوره یوسف از عشق مرد به زن سخن رفته و این که دختر بچه در سنین پایین با آموزه‌های عشقی آشنا شود ناصواب است، زیرا چه‌بسا این آموزه‌ها به رفتار ناهنجار جنسی و آسیب جدی روانی بینجامد، از این رو نخست باید بنیان‌های عفاف و حیا و استوار شود، آنگاه به این آموزه روی آورد.» (60)

۱ مبدل پوشی و یادگارپرستی جزء اختلالات و انحرافات جنسی است که بیشتر در مردان مشاهده می‌شود و در آن فرد برای برانگیختگی جنسی یک تکه یا

تمام لباس یا اشیاء جنس مخالف را نگاه‌داری و استفاده می‌کند. (17)

زنانه باشد، این کار باعث تأخیر یادگیری دختران در پذیرش نقش زنانه می‌شود. نقش خواهران و برادران در این میان و در سهولت یادگیری هویت جنسی و کمک به این فرایند غیرقابل انکار است.

تحقیقات نشان می‌دهد که ماهیت روابط میان فردی هر شخص در تعامل میان نوزاد و مادر تثبیت می‌شود. اگر میزان تماس بدنی، دیداری و کلامی، آگاهی و پاسخ‌دهی مادر به نیازهای کودک کافی باشد، او دارای دل‌بستگی ایمن‌بخش می‌شود. این نوع دل‌بستگی با ویژگی‌های آینده‌ی فرد از قبیل عواطف مثبت، همدلی، عزت‌نفس بالا و تعامل‌های بدون تعارض با همسالان و بزرگسالان مرتبط است. (21)

امروزه و با تغییر سبک زندگی و حضور پررنگ‌تر زنان در مشاغل و محیط‌های علمی و اجتماعی، شاهد یک سردرگمی در به عهده گرفتن نقش‌ها و تنیدگی در خانواده‌ها هستیم به‌خصوص در خانواده‌های هسته‌ای که بر آموزش نقش‌های کلیشه‌ای اصرار می‌ورزند. چه خوب است که هم‌زمان با آموزش نقش دختری نقش مادری نیز به او آموزش داده شود تا در آینده دچار این تنیدگی نگردد. (۷)

نکات زیر نیز در کنار مسائل گفته‌شده در بحث آموزش نقش جنسی می‌تواند فرایند هویت‌یابی درست جنسی را تسهیل کند:

- ایجاد تنوع و جهت‌دهی به بازی کودکان بر اساس جنسیت آنان
- پرهیز از تحمیل ویژگی‌ها و رفتارهای یک جنس بر جنس دیگر
- واگذاری مسئولیت‌ها بر اساس جنسیت در خانه و بیرون از آن
- اظهار رضایت والدین به هم‌جنس خود در برابر فرزندان
- بیان طبیعی بودن تفاوت‌های دو جنس و لزوم این تفاوت‌ها برای تکامل و پویایی. (۱۷)

- نام‌گذاری کودک، پوشاندن لباس‌های متناسب با جنسیت او، ایجاد ارتباط با هم‌بازی‌های هم‌جنس و واکنش‌های تنبیهی والدین در برابر رفتار نقش جنسیتی نامناسب و... نمونه‌ای از شیوه‌های تربیتی دیگر است که هویت جنسی فرزند را شکل می‌دهد. (۳۸)

۳-۳ نفی تبعیض جنسیتی

فرهنگ و نگرش جنسیتی، نتیجه‌ی جامعه‌پذیری جنسیتی است و بدون تردید ارتباط تنگاتنگی با ساختارهای فرهنگی - اجتماعی جوامع دارد. برآیند این فرهنگ در جوامع سنتی مردسالار، تبعیض علیه زنان در دسترسی به منابع، خشونت، علیه آنان و در یک کلام نابرابری، تبعیض و شکاف جنسیتی است. (۲۴) از این رو عدالت جنسیتی همواره از دغدغه‌های اصلی زنان بوده و هست. از نگاه اسلام تبعیض جنسیتی هم‌چون سایر بی‌عدالتی‌های اجتماعی مردود است بنابراین در اجراء شیوه‌های تربیتی مبتنی بر جنسیت جهت رشد و پرورش هویت جنسی دختران و پسران، همواره باید به این مسئله توجه نمود که رفتار و گفتار عدالت‌آمیز بین دختر و پسر در آیات و روایات ما جزء بایدهای تربیتی - اخلاقی است تا از تبعیض جنسیتی جلوگیری شده و هر کدام از اینان به نقش متناسب با جنسیت خود دست یابند.

خداوند در قرآن عدالت را عهد و وصیت الهی می‌داند (۱) و انسان را از این که بغض و کینه‌ی او مانع رفتار عادلانه با دیگران شود برحذر داشته است (۱) و به‌صراحت مردم را به امانت‌گذاری بر اساس حق و عدالت امر می‌کند. (۱)

به همگان، قابل اعتماد نمی‌دانند؛ ولی در توجیه این دست روایات آن هم با فضای امروز جوامع بشری و حضور گستره بانوان در مشاغل و تجمعات اجتماعی می‌توان گفت. هر چند واقعیت امروزی و ضرورت - های زندگی جدید را نمی‌توان نادیده گرفت؛ اما نمی‌توان هم به دلیل تجدد و نوآوری، واقعیت تکوینی زنان و مردان را نادیده گرفت. این دست روایات حکم اولی مسئله را مطرح می‌کند اما با شکل‌گیری ضرورت‌های ثانوی و رعایت چهارچوب‌های قطعی مثل رعایت حجاب و جلوگیری از اختلاط و شکسته‌شدن حریم‌های اخلاقی حضور اجتماعی بانوان بدون اشکال خواهد بود.

در روایتی دیگر با عبارتی که حکایتگر نقش مستمر امیر مؤمنان و حضرت زهرا سلام‌الله علیهما است، می‌فرماید: «كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَحْتَضِبُ وَيَسْتَقِي وَيَكْنُسُ وَ كَانَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ تَطْحَنُ وَ تَعْجِنُ وَ تَخْبِزُ» (37) پیوسته امیر مؤمنان علیه‌السلام [برای منزل] هیزم و آب تهیه می‌کرد و خاکروبه‌های منزل را بیرون می‌برد و فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله علیها آرد تهیه می‌نمود و خمیر درست می‌کرد و نان می‌پخت.

در این روایت، ترکیب فعل ناقصه «کان» با فعل مضارع، دال بر استمرار و پیوستگی کار صورت گرفته است یعنی وظیفه هیزم و آب تهیه‌کردن و نیز خارج کردن خاکروبه‌های منزل را همیشه امیر مؤمنان علیه‌السلام انجام می‌دادند و در مقابل حضرت زهرا مسئولیت درست کردن آرد و خمیر و طبخ نان را به دوش می‌کشیدند که این نشان از انجام کاری است که در توان هر یک از این دو معصوم است.

لازم به ذکر است روایاتی که از ایفاء نقش‌های متفاوت زن و مرد سخن می‌گوید؛ مانند کار در منزل و کمک به همسر، نشان می‌دهد که باید اصل اخلاق‌مداری به‌جای اصل حقوق‌مداری حاکم گردد. همان‌طور که در شرایط خاص، زنان نیز می‌توانند به عرصه‌ی اجتماع ورود پیدا کنند و به همسران خویش کمک کنند.

ازجمله ترجیحات آموزشی در تربیت و پرورش هویت و نقش جنسی، تطابق جنسیتی مربی و متربی است. بسیار به‌جاست که مادر نقش مربی را برای دختر و پدر برای پسر ایفاء کند. شاید علت این امر اصل همانندسازی است که در کودکان به‌خصوص در هفت سال اول به‌شدت وجود دارد و روشن است که به لحاظ جنسیت مشترک این همانندسازی از سوی دختران با مادران بهتر صورت می‌گیرد (28). از این رو پیامبر بزرگوار اسلام واگذاری امور دختران را به مادران خواستارند. «أمروا النساء فی بناتهن» (44) به زنانان در مورد دخترانشان سفارش کنید. با تنقیح مناط و اخذ قاعده‌ی کلی می‌توان گفت در نهادهای آموزشی و تربیتی مانند مدارس و دانشگاه‌ها چنان که اصل تطابق جنسیتی مربی و متربی رعایت گردد ما با تربیت کارآمدتری مواجه خواهیم بود.

لازم به ذکر است چون مادر اولین منبع شناخت و هویت‌یابی جنسی در کودکان چه دختر و چه پسر است، نقش مهمی در اولین سال‌های هویت‌یابی به عهده دارد. برخی از روان‌شناسان می‌گویند: «شخصیت افراد بیش از آن که به زن‌ها مربوط باشد، به پرستاران و سرپرستاران ایشان بستگی دارد و نخستین مربی و سرپرست کودک، مادر اوست». اگر مادر در تربیت، توجهی به‌تناسب جنسیتی نداشته باشد و اگر نوع رفتاری را بروز دهد که نشان‌دهنده‌ی ویژگی‌های مردانه و تا حدودی

سیاه می‌گردد، درحالی‌که خشم [و اندوه] خود را فرومی‌خورد. از بدی آنچه بدو بشارت داده‌شده، از قبیله [خود] روی می‌پوشاند. آیا او را با خواری نگاه دارد، یا در خاک پنهانش کند؟ وه چه بد داوری می‌کنند.

رسول گرامی اسلام نیز دختران را از نعمت‌های خوب الهی می‌داند و می‌فرماید: «نِعْمَ الْوَالِدُ الْبَنَاتُ مَلَطَاتٌ مُجَهَّزَاتٌ مُؤَنَسَاتٌ مُبَارَكَاتٌ مُفْلِيَاتٌ» (۵۱) دختران خوب فرزندان هستند زیرا با لطف (و خونگرم)، زحمت‌کش (و خدمتگزار پدر و مادر)، انس‌گیرند، بابرکت و نطافت‌گر هستند، نیز که به صفات تکوینی دختران اشاره دارد، به همین معنا به‌کاررفته است.

لازم به ذکر است نظام تربیت در اسلام بر پایه‌ی تفاوت‌های تکوینی و نقش‌آفرینی آن در تربیت بناشده است و اگر سخن از نفی تبعیض جنسیتی به میان می‌آید به معنای رد تفاوت‌های طبیعی و روان‌شناسی زن و مرد نیست تا از آن، تربیت غیرجنسیتی نتیجه شود. اسلام در نظام اجتماعی مطلوب خود تمایزاتی را در نقش‌های اجتماعی زن و مرد گاه به‌عنوان اولویت و گاه به‌عنوان الزام مقرر کرده است که این امر بر مبنای حکمت، عدالت و مصلحت صورت گرفته است و این با سخن فمینیست‌ها که خواستار برابری مطلق در تمام عرصه‌ها و نقش‌ها هستند در تقابل جدی است. در این صورت است که بحث از تمایزات حقوقی و تربیتی اسلام موردپذیرش قرار خواهد گرفت. به‌بیان دیگر در اسلام بحث از مرحله‌ی توصیف (سیال‌بودن هویت) به مرحله‌ی ارزش‌گذاری (ضرورت هماهنگی هویت با ماهیت) می‌رسد.

براین اساس هویت‌یابی دختران و پسران در دیدگاه آیات و روایات متفاوت خواهد بود. چنان‌که برخی روان‌شناسان غربی نیز به این مسئله معتقدند که مسیر رشد هویت برای زنان و مردان متفاوت است؛ زنان خود را از راه رابطه با دیگران تعریف می‌کنند؛ اما مردان خود را بر مبنای شغلشان تعریف می‌کنند. موریس دبس گوید:

«یک پسر هیچ‌وقت از این‌که مثل یک دختر عاقل شناخته شود راضی و خوشحال نخواهد بود؛ به همین‌گونه یک دختر نیز از این‌که به خاطر برجستگی عضلاتش مورد تحسین قرار گیرد خشنود و راضی نخواهد شد. در اغلب اوقات محیط خانوادگی یا تحصیلی به‌جای عامل ایجاد تعادل در موقعیت‌های طبیعی، آن‌ها را تشدید می‌کند و سبب ایجاد احساس حقارت در آن‌ها می‌شود.

نتیجه‌گیری

این پژوهش به هدف تبیین دیدگاه آیات و روایات در مورد نقش متغیر جنسیت در هویت جنسی و نیز الزامات تربیتی در شکل‌گیری صحیح هویت جنسی کودکان، ضمن تعریف علمی هویت جنسی و بیان دیدگاه آیات و روایات در مورد این مسئله، به این نتیجه رسید که از یک‌سو رویکرد تقابلی‌گرایی بین زن و مرد که تفاوت‌های زیستی و روانی را دست‌مایه برتری جنس مرد نسبت به زن دانسته و با نگاهی مردگرایی به تربیت جنسی و شکل‌دادن هویتی برتری‌طلبانه در تربیت می‌پردازد، قابل توجیه نیست و از سوی دیگر نگاه‌های تساوی‌طلبانه که هیچ تفاوت زیستی و روان‌شناختی واقعی را بین زن و مرد معتقد نیست و تمایزات صوری را نتیجه فرهنگی و تاریخی نگاه به زن می‌داند، در فرایند تربیت به مسئله داشته‌های متفاوت تکوینی و طبیعی زن و مرد

این اصل تربیتی در رفتار با فرزندان به‌طور ویژه موردتوجه آیات و روایات بوده است. رسول گرامی اسلام فرمودند: بین فرزندان عدالت برقرار نمایید همان‌گونه که دوست دارید بین شما در نیکی و لطف نمودن، عدالت برقرار گردد. (۳۹)

در روایت دیگری نیز شخصی را که حتی در بوسیدن بین فرزندان عدالت نوزید، مورد انتقاد قرار داد. (۳۱)

ظرافت این اصل تربیتی را وقتی متوجه می‌شویم که فلسفه‌ی آن را از بیان نورانی امام باقر علیه‌السلام بشنویم. ایشان فرمودند: «وَ اللَّهُ إِنِّي لِأَصْنَعُ بَعْضَ وُلْدِي وَ أَجْلِسُهُ عَلَى فَخْدِي وَ أَكْثِرُ لَهُ الْمَحَبَّةَ وَ أَكْثِرُ لَهُ الشُّكْرَ مَعَ أَنَّ الْحَقَّ لِعَبْرِهِ مِنْ وُلْدِي وَلَكِنْ مَخَافَةَ عَلَيْهِ مِنْهُ وَ مِنْ غَيْرِهِ لِئَلَّا يَصْنَعُوا بِهِ مَا فَعَلُوا بِيُوسُفَ إِخْوَتَهُ» (۱۰) به خدا سوگند من برخی از فرزندانم را این‌گونه تربیت می‌کنم و شخصیت آن‌ها را می‌سازم که او را روی زانویم می‌نشانم و محبت زیادی به او می‌کنم و خیلی خدا را شکر می‌کنم به خاطر او با این‌که حق با فرزندان دیگر من است ولیکن غرضم این است که می‌ترسم بین او و سایر فرزندانم چیزی شبیه آنچه بین یوسف و برادرانش پیش آمد، بروز کند!

آسیب‌های تربیتی تبعیض فقط متوجه فرزندان نخواهد شد چراکه دامنه‌ی آن دامن والدین و جامعه را نیز خواهد گرفت. بی‌مهری و بی‌توجهی به دلیل بدبینی نسبت به والدین، بروز حس سلطه‌جویی و برتری‌طلبی در فرزندی که موردتوجه خاص قرار گرفته، موردحسادت واقع‌شدن فرزندی که توجه خاص به او شده، احساس حقارت و خود-کم‌تریبی فرزند تحقیرشده، بدآموزی و الگوبرداری منفی، سوءاستفاده‌ی دیگران و... برخی از این آسیب‌هاست.

این رفتار عادلانه‌ی درجایی که جنسیت فرزندان متفاوت است بیشتر مورد تأکید روایات است. به‌طوری‌که راه ورود والدین به بهشت شمرده‌شده است.

رسول مکرم اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: «مَنْ كَانَتْ لَهُ اُنْتَى فَلَمْ يُبْدِهَا لِمِ يُوْذِهَا خ. ل.] وَ لَمْ يَهْتَبْهَا وَ لَمْ يُؤْتِرْ وُلْدَهُ عَلَيْهَا اَدْخَلَهُ اللهُ الْجَنَّةَ» (۵۱) هر کس فرزند دختری دارد و او را آزار نمی‌دهد و به او اهانت نمی‌کند و سایر فرزندان را بر او ترجیح نمی‌دهد خداوند او را داخل بهشت می‌گرداند.

اسلام نه‌تنها با نابرابری جنسی مخالف است و راهبردهای دقیقی همچون ایمان و اخلاق را جهت جلوگیری از ستم و نابرابری جنسی در محیط خانواده و اجتماع به‌صورت ظریف مطرح نموده است؛ بلکه در جزئی‌ترین رفتارهای خانوادگی و اجتماعی اصل عدالت را اساس رسیدن به کمال می‌داند. اسلام برخلاف دیدگاه‌های جبرگرایی و محیط‌گرایی فمینیسم، در عین قبول تفاوت‌های زیستی و تکوینی و برخی تفاوت‌های روان‌شناختی که مبنای تفاوت نقش‌ها و تکالیف زن و مرد است، اصل برابری ارزشی دختر و پسر را در آیات و روایات به‌طور صریح مطرح نموده است.

قرآن برتری جنس مرد را بر زن در عملکرد عرب عصر نزول به‌عنوان یک خطای نابخشودنی و حکم بد مطرح نموده می‌فرماید: «وَ اِذَا بُشِّرَ اَحَدُهُمْ بِالْاُنْتَى ظَلَّ وَجْهَهُ سُوْدًا وَ هُوَ كَظِيمٌ * يَتَوَارَى مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهٖ اَمْ يَمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ اَمْ يَدْسُهُ فِي الْرُآبِ اَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُوْنَ» (۱) و هرگاه یکی از آنان را به دختر مژده‌آورند، چهره‌اش

این راستا صورت گیرد. و در بخش کاربردی امور زیر مورد توجه مریبان و متولیان تربیت قرار گیرد:

- به دلیل اینکه کودکان الگویی جنسیتی را از طریق فرایند همانندسازی با پدر و مادر از ۴-۵ سالگی آغاز می‌کنند، در راستای شکل‌گیری هویت متناسب جنسیتی، والد جنسی موافق مسئولیت بیشتری را متوجه خود بدانند.
- جنسیت کودک از همان ابتدا مورد پذیرش والدین قرار گیرد و ارزشمند قلمداد شود تا حس رضایت از جنسیت در وجود کودک شکل گیرد و بالتبع از بروز رفتارهای جنسی مخالف بپرهیزد.
- آموزشهای مستقیم و غیرمستقیم معطوف به هویت‌یابی جنسیتی در دستور کار والدین قرار گیرد؛ چرا که هویت‌یابی جنسی کودکان همچون سایر مسائل تربیتی تحت تأثیر آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم بیرون از وجود کودک قرار دارد.
- مسئولیت‌ها و نقش‌های خانوادگی و اجتماعی بر اساس داشته‌های تکوینی و قواعد عادلانه دینی به آنها واگذار شود و از اختلاط نقش‌های خاص زنانگی و مردانگی جلوگیری شود.
- از هرگونه تبعیض و نابرابری جنسیتی توسط والدین و عموم جامعه خودداری گردد تا احساس خودارزشمندی بیشتری در وجود کودک شکل گیرد. این امر خود مقدمه‌ای برای پیشگیری از بسیاری رفتارهای خلاف جنسیت خواهد بود.

توجه نمی‌کند؛ بنابراین نمی‌تواند هویت سالمی را در آینده شخصیتی آن‌ها ایجاد کند چرا که بر پایه ابتناء تشریح بر تکوین، عدم توجه به تفاوت‌های تکوینی و طبیعی خروج از قواعد مسلم حاکم بر هستی خواهد بود. بنابراین تنها رویکرد تعامل‌گرا که قائل به مکملیت زن و مرد است و جنسیت را عاملی ارزشی برای زن و مرد نمی‌داند، قابل دفاع از نگاه آیات و روایات است. بر اساس این رویکرد هویت جنسی بر اساس آیات و روایات دارای یک بخش ثابت و غیرقابل تغییر است و یک بخش سیال که تحت تأثیر مسائل تربیتی و فرهنگی است. بنابراین نمی‌توان علت تامه شکل‌گیری هویت جنسی را صرفاً مسائل فرهنگی دانست؛ بلکه باید به داشته‌های متفاوت تکوینی که منشأ تفاوت‌های حقوقی و تربیتی است، نیز توجه نمود و به الزامات تربیتی در این موضوع دقت نمود. قبول جنسیت کودک، آموزش نقش جنسی از همان دوران کودکی و شکل‌گیری شخصیت کودک، و نفی تبعیض جنسیتی اهم این الزامات است که در صورت رعایت، مانع اختلال در هویت جنسی و بازدارنده خوبی برای جلوگیری از اختلاط نقش‌ها و انحرافات جنسی و نیز مشکلات اجتماعی خواهد بود. یافته‌های این پژوهش متولیان امر تربیت را بر این مهم راهنمایی می‌کند که در اتخاذ شیوه‌های تربیتی، به مقوله جنسیت کودک توجه خاص نمایند. پیشنهاد نویسنده در بخش نظری تحقیق این است که به صورت خاص بر متغیرهای کلیدی تأثیرگذار در امر تربیت در کنار جنسیت تمرکز گردد و پژوهش‌هایی در

References

- with View to Islamic Sources), vol. 2, Tehran, Ed. Samt, 5th edition
7. B. Hurlock, Elizabeth, (2014). Personality Development, translated by Parviz Sharifi Dar-Amadi & Mahmboubeh Haj Norouzi, Tehran, Ed. Avay-e Nour, 2nd edition
8. Bagheri, khosrow, (2012). A look at Islamic education again, Tehran, Madreseh
9. Bahrani, Kamal ad-Din Maisam bin Ali Ibn Maisam, (2006). Sharh Nahj al-Balagha (Exposition on Nahj al-Balagha), Mashhad, Islamic Research Foundation, 1st edition
10. Bahrani, Seyed Hashem bin Soleiman, (2005). Al-Borhan fi Tafisr al-Quran (in Arabic). Qom. Besat Institute, 1st edition
11. Balaghi Najafi, Mohammad Javad, (1420 AH). Ala-e ar-Rahamn fi Tafsir al-Quran (in Arabic), vol. 2, Besat Foundation, 1st edition
12. Bostan, Hossein, (2011). Nabarabari-e Jensi az Didgah-e Eslam va Feminism (Gender Inequality in Islam and Feminism), Qom, Seminary and University Research Center, 5th edition
1. The Holy Quran. (Persian), Translated by Ayatollah Makarem Shirazi
2. Abediniboultavk, Meymanat, Liaghatdar, Mohammadjvad, Mansouri, Cyrus, (2014), Representation of gender defects in the textbooks of the year of elementary school in Iran, Quarterly Journal of Women & Society, Fifth year, No. 4, pp.34-19 http://jzvj.miau.ac.ir/article_۶۸۴.html
3. Ahadi, Hassan; Bani Jamali, Shokouh as-Sadat, (2006). Ravanshenasi-e Roshd, Mafahim Bonyadi dar Ravanshenasi Koudak (Psychology of Growth, Fundamental Concepts in Psychology of Children), Tehran, Pardis Co., 16th edition
4. Allasvand, Fariba, (2011). Zan dar Eslam, Qom, Hajar,, 1st edition
5. Ash-Shirazi, Sadroddin Mohammad (known as Mulla Sadra), (1428 AH). Al-Hikmat al-Mot'alia fi al-Asfar al-Aqliat al-Arba'a (in Arabic), Qom, Tali'e Nour. 2nd edition
6. Azarbaijani, Masoud et al., (2011). Ravanshenasi-e Roshd ba Negaresh be Manabe'e Eslami (Psychology of Growth

- pp.191-178
http://jzvj.miau.ac.ir/article_3403.html
25. Haqshinas, Ali Muhammad et al. (2002). Farhang Mu'asir-i Hizari Engilisi bi Farsi [Hizari English-Persian Dictionary], Tehran: Nashr-i Farhang-i Mu'asir.
 26. Hashemaaliabadi, (1394), Examining the moral suspicion of depriving women of their dignity in the beginning of verse 34 of Surah An-Nisa, Journal of Ethical Research, N2, The sixth year, pp.176-159
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1225634/>
 27. Hashemaaliabadi, (1396), Analytical study of the theoretical foundations of gender-based educational methods from the perspective of verses and hadiths, Journal of Educational Teachings in Quran and Hadith, N5, pp.113-96
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1396213/>
 28. Hashemaaliabadi,(1390), Sexual instinct from the perspective of Islam, Tehran, kamalandisheh
 29. Hemairi, Abdullah bin Jafar,(1413) Qorb al-Asnad, Qom, Al al-Bayat Institute, 1st edition
 30. Hor Ameli, Mohammad bin Hassan,(1409) Vasaal ash-Shia, Qom, Al al-Bayt, 1st edition
 31. Ibn Babawayh, Mohammad bin Ali,(1413) Man La Yahzarah ul-Faqih, Qom, Society of Seminarians, 2nd edition
 32. Ibn Manzoor, Mohammad Ibn Mukarram, (1414 AH) Lisan al-Arab, Beirut, Dar Sader, Ch
 33. Ibn Shuba Horrani, Hassan bin Ali,(1404) Tohaf al-Oqoul fi Akbar Al ar-Rasoul, Qom, Society of Seminarians, 2nd edition
 34. Imanzadeh, Ali, Farhadi, Mahla, (2018) Explaining the model of promoting gender justice in Islamic societies from the perspective of Nahj al-Balaghah based on ground theory, Quarterly Journal of Women & Society, Ninth year, No. 2, pp.68-35
http://jzvj.miau.ac.ir/article_3144.html
 35. Javadi Amoli, Abdollah, (2011). Tasnim, Qom, Asra, 3rd edition
 36. Javadi Amoli, Abdollah,(1906) Zan dar Ayeney-e Jalal o Jamal, Qom, Asrae, 1st edition
 13. Bostan, Hossein,(2012) Eslam va Tafavothay-e Jensiati dar Nahadhay-e Ejtemaei, Qom, Seminary and University Research Institute, 3rd edition
 14. Debesse, Maurice; Pieron, Henri, (1975). Individual Differences; Moral Psychology, translated by Mohammad Hossein Sarvari, Tehran, Ed. Sokhan, 5th edition
 15. Dejakam, Mohammad-Reza, (2009). Ravanshenasi-e Ekhtelalhay-e Jensi (Psychology of Sexual Disorders), Tehran, Ed. Mansha-e Danesh, 3rd edition
 16. Fakhr Razi, Abu Abdullah Muhammad bin Umar, (1420). Mafatih al-Ghayb, Beirut, Dar Ahya Torath, 3rd edition
 17. Faqihi, Ali Naqi, (2008). Tarbiat-e Jensi: Mabani, Osoul va Raveshha az Nazar-e Quran va Hadith (Sexual Education: Fundamentals and Methods in Islam and Hadiths), Qom, Dar al-Hadith, 2nd edition
 18. Fazlollah, Seyed Mohammad Hossei, (1407 AH). Tafsir men Vahi al-Quran (in Arabic), Beirut, Dar al-Malak, 2nd edition
 19. Feyz Kashani, Mohsen, (1406 AH). Al-Vafi, Isfahan, Amir al-Momenin Alayh as-Salam Library, 1st edition
 20. Group of Authors, (2003). Ravanshenasi-e Ejtemaei ba Negaresh be Manabe'e Eslami (Social Psychology in Light of Islamic Texts), Qom, Seminary and University Research Center, 1st edition
 21. Group of Authors, (2009). Jostari dar Hastishenasi-e Zan; Zan dar Farhang va Andishe-ye Eslami (A Study of Women's Ontology; Life in Islamic Thought and Culture), Qom, Imam Khomeini Research Center, 3rd edition
 22. Dihkhuda, Ali Akbar. (1998). Lughatnami [Dictionary], Tehran: Tehran University Publications. [in Farsi]
 23. Hakimpour, Mohammad, (2005). Hoqouq-e Zan dar Kashakesh-e Sonnat va Tajaddod (Women's Rights in Tradition-Revisionism Struggle), Tehran, Naghme-ye Noandish, 2nd edition
 24. Hamed, Shiri, (2019), Gender Attitude and Factors Affecting It (Inter-State Comparative Study), Quarterly Journal of Women & Society, Tenth year, No.1.

- Gharib al-Quran (in Arabic), Beirut, Dar el-Elm, 1st edition
49. Saheb al-Zamani, Naser ad-Din, (1995). Rouh-e Bahar (Spirit of Spring), Tehran, Ataei Press Institute, 1st edition
 50. Shayan Mehr, Ali Reza, (2009). Dayerat al-M'aref-e Oloum-e Ejtemaei (Encyclopedia of Social Sciences), Tehran, Kayhan, 1st edition
 51. Sheikh Har Ameli, (1989), Mustadrak al-Wasa'il and Mustanbat al-Masa'il, Qom, Al-Bayt Foundation, peace be upon them
 52. Shirazi, Sadr al-Din Muhammad ibn Ibrahim, (2007) The transcendent wisdom in the intellectual journeys, Qom, Taliya Noor
 53. Shoarinejad, Ali Akbar, (2006). Ravanshenasi-e Roshd (Development Psychology), Tehran, Ettela'at, 17th edition
 54. Tabarsi, Hassan bin Fazl, (1412). Makarem al-Akhlaq, Qom, ash-Sharif ar-Razi, 4th edition
 55. Tabatabaei, Seyed Mohammad Hossein, (1417) al-Mizan fi Tafsir al-Quran, Qom, Society of Seminaries, 5th edition
 56. Tarihi, Fakhroddin, (1996). Majma al-Bahrain, Tehran, Mortazavi Bookstore, 3rd edition
 57. Tousi, Mohammad bin Mohammad Nasir ad-Din, (2012). Akhlaq-e Naseri, Tehran, Elmia Eslamia, 7th edition
 58. Zamkhashri, Mahmoud, (1419) al-Kashaf an Haqayeq Ghavamez at-Tanzil, Beirut, Dar al-Ketab al-Arabi, 3rd edition
 59. Zibaeinejad, Mohammad Reza, (2012) Jaygah-e Khanevadeh o Jensiat dar Nezam-e Tarbiat-e Rasmi, Qom, Hajar, 1st edition
 60. Feyz Kashani, Mullah Mohsen, (1986), Tafsir Al-Safi, Tehran, Maktab al-Sadr
 37. Koleini, Mohammad bin Yaqoub bin Es'haq, (1407). al-Kafi, Tehran, Dar al-Kotob al-Islamiyah, 4th edition
 38. Lotfabadi, Hossein, (2006). Ravanshenasi-e Roshd (Psychology of Development), vol. 2, Tehran, 8th edition
 39. Majlesi, Mohammad Baqer bin Mohammad Taqi, (1403). Bahar al-Anwar, Beirut, Dar Ahya at-Torath, 2nd edition
 40. Makarem Shiraz, Nasser(1995), Tafsir Nemouneh, Tehran, Dar al-Kotob al-Islamiyah, , 1st edition
 41. Moshirzadeh, Homeyra, (2006). Az Jonbesh ta Nazarieh Ejtemai, Tarikh-e Do Qarn Feminism ((From Social Movement to Social Theory; History of Two Centuries of Feminism), Tehran, Ed. Shirazeh, 3rd edition
 42. Nijati, Muhammad Usman. (2005). Qur'an va Ravanshinasi [Qur'an and Psychology], translated by Abbas Arab. Mashhad: Foundation for Islamic Research. [in Farsi]
 43. Nouri, Hossein bin Mohammad Taqi, (1408 AH). Mostadrak al-Vasael va Mostanbat al-Masael (in Arabic), Qom, Al al-Bayat Institute, 1st edition
 44. Payandeh, Abol-Qasem, (2003). Nahj al-Fasaha, Tehran, Donya-ye Danesh, 4th edition
 45. Qaem Maqami, Mohammad-Reza, (2009). Raveshhay-e Asibza dar Tarbiat (Traumatic Methods in Education), Qom, Seminary and University Research Center, 2nd edition
 46. Qaemi, Ali, (1990). Sazandegi va Tarbiat-e Dokhtaran (Education of Girls), Tehran, Anjoman-e Olia ba Morabian, 1st edition
 47. Qoreshi, Seyed Ali Akbar, (1993). Qamous-e Quran, Tehran, Dar al-Kotob al-Eslamiya, 6th edition
 48. Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad, (1412 AH). Al-Mofradat fi